

آرامگاه پیام آوران در ایران زمین

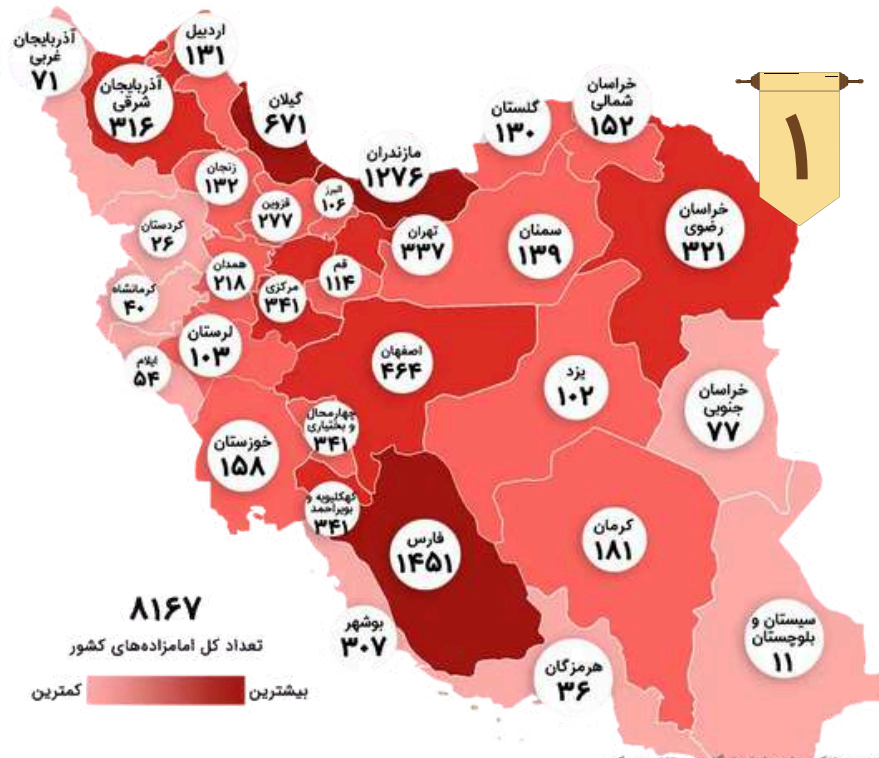
(بخش ۷ و آخر)

ویسپوبیش، سال ۱، شماره ۹

آرمان آرین



درباره آرامگاه برخی انبیاء و امامزاده‌های ایران:



تصویر برگرفته از وبسایت visualpedia.ir

به مورد نسبت به همه این موارد نیست و تحلیل مذهبی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی آن را نیز به اهل آن واگذار می‌کنیم. چیزی که در اینجا قصد داریم بیان کنیم این است که اصولاً مکان‌های مقدّس در سرزمین‌های کهن را نمی‌توان یکسره تقلّبی و دروغین انگاشت و تصور کرد که بیهوده موردنظر خاص مردم قرار گرفته‌اند. بلکه با نظری منصفانه می‌توان دریافت که حتماً در پس آنچه که ظاهر است، باطنی نیز وجود دارد. اما چگونه باطنی؟ توجه کنید که نگارنده شکی ندارد که بخش بزرگی از این مقدّس‌نمایی‌ها و مقدّس‌سازی‌ها، دروغین هستند و تنها برای سوءاستفاده‌های سیاسی و تجاری ایجاد

در بخش‌های پیشین، از مقابر برخی پیامبران سخن آمد که مدفن‌شان در ایران است و احتمال وثوق و دقت بیشتری در تأیید این مقابر است. البته فهرست پیامبران و امامزادگانی که در ایران مدفون هستند، به آنچه در مقالات کوتاه قبل آمد، خلاصه نمی‌شود و اصولاً درباره امامزادگان یا مساجد یا مناطق مقدّس سخنی گفته نشد. تعداد امامزاده‌های ایران که در سال ۱۳۵۷، حدود ۱۵۰۰ بقعه بوده، با گذشت بیش از چهل سال، به حدود ۸ تا ۱۱ هزار بقعه‌ی ثبت شده جدید، رسیده که این یعنی افزایش سالانه حدود ۲۵۰ مورد جدید که ساخته یا شناسایی شده‌اند (تصویر ۱). در اینجا قصد ما ورود کاشفانه و دقیق مورد

در حال، ما را در این مقال کوتاه، کاری با این دست نکات نیست بلکه می‌خواهیم به یک دسته‌بندی کلی برسیم که بخش بزرگی از آن مقابر مقدّس و آرامگاه‌های مذهبی که به نام مقابر انبیاء و ائمه و به ویژه امامزاده معروف هستند (فارغ از آنها که رسماً جعلی و تازه‌ساز هستند)، در واقع به چند بخش تقسیم می‌شوند:

۱. **آرامگاه‌های راستین:** یعنی آن معدود مقابری که واقعاً انسانی در آن دفن است و اسمش با رسمش همخوانی دارد. آنهایی که واقعاً نبی و امامزاده بوده‌اند و نه چیز دیگری که به نام آنها تغییر و تبدیل یافته باشد. مثلاً مقبره دانیال نبی یا حبقوق نبی یا استر مردخای، از آن دست مقابری هستند که احتمال زیاد شخصیت منسوب به آنها در آنها آرام گرفته است. یا آرامگاه برخی شاهان باستانی و دخمه‌ها و گورهایی که منسوب به شاهان و بزرگان و عارفان و شاعران کهن ایران هستند نیز از جمله آرامگاه‌های راستین طبقه‌بندی می‌شوند. همچنین بی‌شک تعدادی از امامزاده‌های موجود در ایران نیز اصالت دارند و به آن دسته از فرزندان امامان شیعه متعلق‌اند که از دست خلفای اموی و عباسی گریخته و به ایران پناه آورده و در این دیار از دنیا رفته‌اند.
۲. **پیش‌تر مهربانه یا معبد آناهیتا:** اینها مقابر یا مکان‌هایی هستند که قبلاً مهربانه

شده‌اند و بنابراین درصد بزرگی از آمار مکان‌های مقدّس در ایران، جعلی هستند و به‌هیچ‌وجه اصالتی ندارند. نظیر آنچه مرحوم علی‌اکبر سعیدی سیرجانی در کتاب «ای کوته‌آستینان» خود می‌گوید که در خاطره‌ای از کودکی‌اش در روستاهای سیرجان شاهد یکی از این امامزاده‌سازی‌ها به قصد استفاده تجاری و استعمار عوام بوده است.

یادش بخیر، دوست و همکلاسی مرحوم «هادی بهزادی» که روزگاری در دانشکده سینما و تئاتر با هم همدرس دوره کارشناسی بودیم و اهل روستایی در خراسان بود. هادی اما در پروازی از تهران به ارومیه در سال ۱۳۸۹ سقوط کرد و با تمام آرزوهای جوانی و هنری‌اش^۱ به دیار حق پرواز نمود. او فیلم کوتاهی از روستای‌شان ساخته بود که پیرزنی شب خوابنا شده و جنجالی به راه انداخته بود که وسط کوچه‌شان امامزاده‌ای مدفون است. برای همین تا غروب، همه اهالی دست به دست داده و زمین را کنده و به چیزی هم نرسیده بودند. هادی همه چیز را از ابتدا فیلم گرفته بود و سند خوبی به دست می‌داد از - اگر نگویم شیادی و خودنمایی - توهم و خرافات و بیکاری و بی‌دانشی. اسم فیلم یادم نیست ولی نقدی بود بر فرهنگ عوام و عوامل خرافات‌زدگی‌شان که کاملاً در تضاد با کار و تلاش و جنبش و ساختن و آبادانی زمین است.

۱. هادی تازه نخستین کتاب و ترجمه‌اش را منتشر کرده بود که آن سانحه هوایی مرگبار رخ داد. چقدر هم از انتشار آن کتاب، شادمان و امیدوار بود به راهی که در آینده هنری‌اش برایش گشوده می‌شد: «منشی صحنه» نوشته پت میلر، ترجمه هادی بهزادی، انتشارات دانشکده صدا و سیما. روحش شاد و یادش گرامی.

مشخص است معابد زرتشتی یا دیر و معبد مزدایی بوده‌اند (مثل مسجد سلیمان) و برای حفظ محل و عدم آلوده یا تخریب شدن، تغییر نام و کاربری داده‌اند. بطور نمونه مسجد جامع قزوین (تصویر ۳)، پیش‌تر آتشکده بوده است. (ایسنا - مسجد جامع عتیق، مسجدی روی آتشکده...، ۲۷ اسفند ۱۳۹۶)



۴. **پیش‌تر پیر و بی‌بی:** پیرها و بی‌بی‌ها، مقدّسان قدیم ایران باستان بودند که چندتایی از آنها به نام خودشان در اطراف یزد یا تهران باقی‌اند ولی باقی به امامزاده یا شخصیت‌های مرتبط با اسلام تغییر شکل داده‌اند.

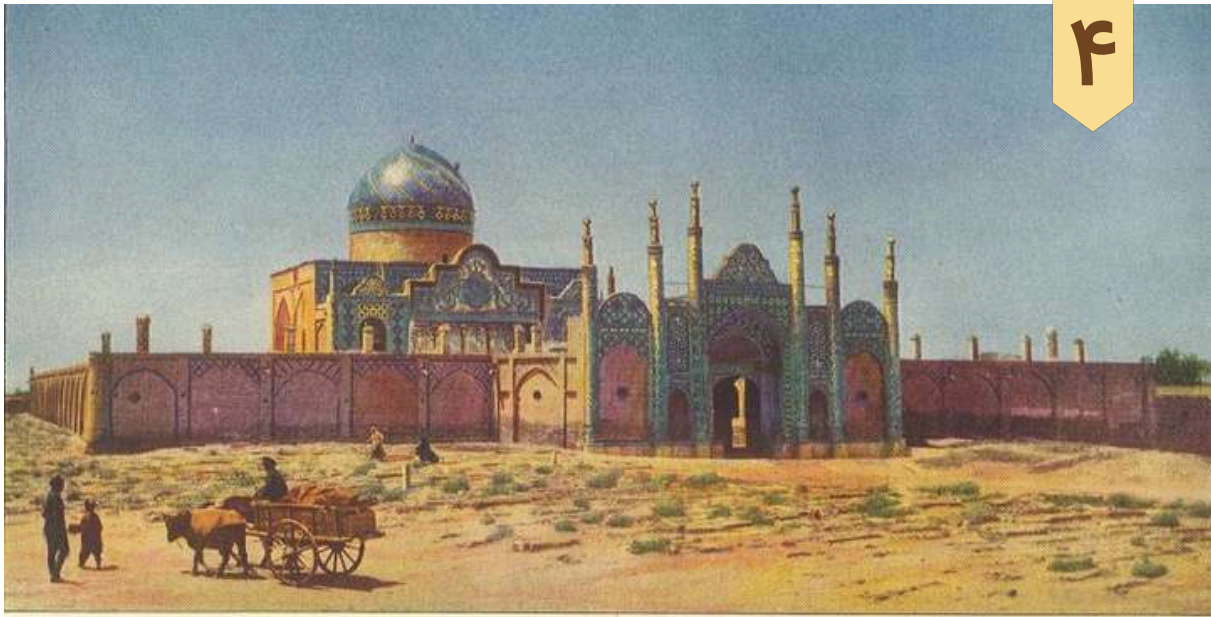
۵. **پیش‌تر شاه یا شاهزاده:** نظیرش را در شازده حسین قزوین (تصویر ۴) که حالا شده امامزاده حسین به سادگی می‌توان دید. بسیاری از مقابری که به ویژه در مازندران و گیلان امامزاده نامیده می‌شوند، آرامگاه همین شاهزادگان باستانی یا ساسانی و از نسل آنها بوده‌اند که در گذر ایام چنین سرنوشتی برایشان رقم خورده است. همچنین است آرامگاه کوروش بزرگ هخامنشی که نامش را مقبره مادر سلیمان نهادند تا از دست تخریب متعصبان محفوظ بماند.

مهرپرستان بوده‌اند و بعدها برای اینکه جای‌شان فراموش نشود به مراکز زرتشتی و بعد هم اسلامی تغییر نام داده‌اند. معمولاً بقاعی که کنار آب روان هستند، با آنهایتا در ارتباطند و یا بسیاری از مساجد بزرگ را که کاوش کرده‌اند در زیرساخت‌شان به بقایای زرتشتی، می‌ترایی و... رسیده‌اند.

این نه فقط در تمدن ایران، که مثلاً در ایاصوفیه استانبول (تصویر ۲) هم دیده می‌شود که بنایی کهن مربوط به عصر بت‌پرستان، به کلیسا تغییر کاربری داده و سپس با آمدن اسلام نیز مسجد شده است. این نوع از تغییر کاربری را در پهنه خلافت عثمانی مثلاً در ترکیه و قبرس به وفور می‌توان دید. یا در ایران، در کاوش‌های زیر مسجد جامع اصفهان به بقایای مهرابه و آتشگاه رسیدند. همچنین واژه خاج (صلیب ایرانی یا گردونه مهر) در برخی روستاها از جمله در زیرآب سوادکوه (خاج گُلا)، با برخی یافته‌های محلیان که به مقابر صلیبی رسیده‌اند، نشان از این دارد که ساکنان کهن آن نواحی، از مهرپرستان بوده‌اند و این صلیب نباید با صلیب مسیحیان اشتباه شود.

۳. **پیش‌تر آدریان یا آتشگاه:** اینها مقابر یا مکان‌های مقدّسی هستند که چنان که





عکسی از شازده حسین قزوین، هارولد وستون در آغاز سده بیستم میلادی

«سید عبدالحق بن کمال‌الدین بن سید قوام‌الدین مرعشی ... بن امام زین‌العابدین (ع) در سال ۱۷۳ ولادت و در سال ۲۰۵ قمری وفات یافته و براساس روایتی از نوادگان امام موسی کاظم (ع) و بنا بر روایتی دیگر برادر امامزاده یوسف‌رضا قائم‌شهر می‌باشد.»

اینک پس از این معرفی رسمی و پذیرفته شده‌ی امروزی، برویم به سراغ یک سفرنامه که حدود ۱۵۰ سال قبل یعنی در دوره قاجار نوشته شده و ببینیم که در کمتر از دو قرن پیش، بطور مثال درباره همین امامزاده عبدالحق چه‌ها نوشته شده است.

در کتاب «سفر مازندران و وقایع مشروطه یا رُکن الأسفار» نوشته غلامحسین افضل‌الملک آمده است: «پنجشنبه یازدهم رمضان المبارک از زیرآب حرکت کردیم که به شیرگاه برویم. مسافت راه تا شیرگاه شش فرسخ است. قدری رانیدیم تا فوراً به مزار «عبدالحق» رسیدیم که طرف دست

۶. پیش‌تر گنج: برخی از مکان‌های مقدس نیز گنج‌های مخفی هستند که برای اینکه کسی دست به آنها دراز نکند و صاحب‌شان برود و برگردد و برِشان دارد، رویه‌ی تقدّس یافته‌اند. اما صاحبِ گنج رفته و دیگر هرگز بازنگشته و قرن‌ها گذشته و نقشه‌اش به دست عده ای افتاده که آمده‌اند و گنج را بالاخره به حیلتی برداشته و بُرده‌اند. اخبار چنین سرقت‌هایی - چه موفق و چه ناموفق - در بسیاری از بُقاع انبیاء یا امامزادگان وجود دارد که به همین نوع نقشه‌ها و پیشینه‌ها بازمی‌گردد.

۷. پیش‌تر عارف یا درویش و...: به عنوان نمونه‌ی این نوع می‌توان به وضوح به یک سند تاریخی اشاره کرد. امامزاده عبدالحق در زیرآب سوادکوه (تصویر ۵) که امروزه معتقدان بسیار دارد و گنبدش در کنار رود دل‌انگیز تالار افراشته است، منسوب شده به یکی از برادران امام رضا (ع):

سوانح کبری در این ولایت‌ها واقع گردید. به حدّی که اکثر بناهای قدیم را مُنهدم و ویران نموده؛ از آن جمله این آستانه متبرکه منوره مطهره را نیز بالمَرّه خراب کرده بود و بعد توفیق آثار کربلایی ابوطالب، به اتفاق درویش اسمعیل و درویش حسین و درویش ابوطالب، باعث و بانی این بنای عالی شده‌اند که تا عموم خلایق از ثواب زیارت این بزرگوار مرحوم نشوند... [الی آخر توضیحات]

(به کوشش حسین صمدی - چاپ دانشگاه آزاد اسلامی واحد قائم شهر - ۱۳۷۳ - ویرایش و پخش ۱۳۸۳ نشر تبرستان - ص ۳۹)

این مثال و چند مَثَل بالاتر، به عنوان مُشت نمونهی خروار آورده شدند تا جان کلام اینگونه عیان شود که فارغ از مقبره‌های بسیاری که در ایران هستند و هیچ اصالتی از هیچ سویی ندارند، تعداد اندکی از آنها که شهرت دارند، اصالت تاریخی نیز دارند. نه اینکه به کل دروغ باشند ولی در زیر اسم ظاهری‌شان چنان‌که گفته آمد مکان‌های مقدّس باستانی نظیر «مهرابه، آتشگاه، پیر، بی‌بی، شاهزاده، گنج، درویش و عارف و...»

راست، میان شالیزار آن سمت رودخانه واقع شده است. ایالت کُبری محض سیاحت و زیارت از میان زراعت‌ها به مزار عبدالحق تشریف بردند. بنده را هم با خود بردند که بعضی اکتشاف نمایم. امیرمؤید هم آمدند. صحن و مزار قشنگی برای عبدالحق ساخته‌اند. حضرت ایالت، طوافی کرده و انعامی به متولّی داده، بیرون تشریف بردند. به بنده فرمودند نَسَب این امامزاده را معلوم کنم. لوحه‌ای در این بُقعه نبود که چیزی نوشته شده باشد. توی ضریح چوبی روی قبر یک صندوق چوبی بود که روی آن خطّی دیده نشد ولی روی دو در، بعضی عبارات منبّت و منقور شده بود که آن را خوانده و ثبت کردم. معلوم شد که عبدالحق، امامزاده و سیّد نبوده است بلکه از سلسله‌ی عرفا و درویشان و مرد وارسته و مرشدی بوده است که درویشان [دیگر] بُقعه‌ی او را ساخته‌اند...

دورتادور درب اول، در هر دو مصرع این عبارات نَقاری شده است: «بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. سنه ۱۲۲۴ [ه ق]... زلزله عظیمی و



هستند که اگر کاوش‌های درستی از نظر سندی یا باستان‌شناسی در آنها یا اطرافشان رخ دهد، حقایق بسیاری درباره ایشان برملا خواهد شد. حقایقی که بی‌تردید پرده از روی بسیاری از مسائل تاریخی کشف‌نشده‌ی تاریخ ایران باستان نیز برخواهد داشت و همچون نوری بر بخش‌های تاریک‌مانده‌ی تاریخ ایران زمین خواهد تابید تا دانسته‌ها درباره این حلقه‌ی مفقوده‌ی تاریخ جهان - در مرکز شاهراه ملل کهن - هر چه بیشتر شود.

پایان

پن: موضوع آرامگاه انبیاء و رسولان کهن در ایران ما، در اینجا به پایان رسیده است؛ یعنی همراه با واپسین شماره‌ی سال یکم ویسپویش. امید است که با آغاز سال نو ۱۴۰۴، ما نیز این بخش را تازه کنیم و موضوع آرامگاه‌ها در ایران را به بخش دوم آن ببریم. بخشی که مربوط است به آرامگاه‌های شناخته شده‌ی پادشاهان و فرمانروایان ایرانی که بخشی بسیار جذاب و پژوهشی ناب و دست‌ناخورده است.

**با ما همراه بمانید تا بخش تازه‌ی آرامگاه‌های ایران در سال آینده...
آ.آ**